

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadrakumar»
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-12-11»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

همزمان با چرخش واشنگتن، مسکو و دهلی با وعده‌هایی برای عمل به آنها روبرو هستند

As Washington turns, Moscow and Delhi face promises to keep

اجلاس اخیرمودی وپوتین دردهلی نو، برخلاف انتظارات، بر همکاری اقتصادی به جای توافقات دفاعی پیش‌بینی‌شده تمرکز داشت. درجهانی که به سرعت درحال تغییر است، روسیه و هند با انتخاب‌های استراتژیک حیاتی روبرو هستند و اقتصاد و جغرافیا مسیر آینده آنها را شکل می‌دهد.

The recent Modi–Putin summit in New Delhi defied expectations, focusing on economic cooperation rather than anticipated defense deals. In a rapidly shifting world, Russia and India face critical strategic choices, with economics and geography shaping their future path.



Photo Credit: The Cradle

مسئولیت سنگین هر وزارت امور خارجه‌ای که وظیفه میزبانی نشست‌های با یک ابرقدرت را بر عهده دارد، تهیه یک سند رویکرد (چلندی) است که استراتژی، روش‌شناسی و چارچوب را با محوریت علت وجودی رویداد پیش رو مشخص می‌کند.

اهداف و جدول زمانی، ایده‌های کلی را به اقدامات مشخص پیوند می‌دهند. آنها فرآیند را برای ایجاد یک برنامه دقیق تشریح می‌کنند و تضمین می‌کنند که همه در سطوح بالای رهبری در درک اهمیت کامل این رویداد هم نظر هستند. تنها در این صورت می‌توانند به عمق اجرا بپردازند. این امر به اجلاس اجازه می‌دهد تا مانند یک سمفونی - پیچیده، زیبا و هماهنگ - در یک روند هماهنگ که در آن جزئیات ظریف به یک کل قدرتمند تبدیل می‌شوند، به هم بپیوندند. اما هنوز هم می‌تواند شگفتی‌هایی در انتظار باشد. اجلاس اخیر دهلی در روز پنجشنبه، (4) دسامبر، بین **نارندرا مودی**، نخست‌وزیر هند، و **ولادیمیر پوتین**، رئیس‌جمهور روسیه، که با دقت طراحی شده بود، یکی از این موارد بود، گویی حتی قبل از پایین آمدن پرده، همه چیز از بطری «bottle» بیرون رفته بود. همکاری دفاعی، حلقه اول روابط روسیه و هند، حتی به عنوان یکی از نتایج کلیدی این اجلاس مطرح نشد. ویکرام مصری، وزیر امور خارجه هند، ادعا کرد از آنچه که در دیدار دو وزیر دفاع در حاشیه اجلاس گذشته، مورد بحث قرار گرفته بود بی‌اطلاع بوده است.

RT (روسیه امروز) که توسط کرملین تأمین مالی می‌شود، تنها یک روز قبل از اینکه پوتین برای صرف غذا با مودی در اقامتگاه خصوصی‌اش رو در رو شود، با تیتری درخشان گزارش داد: «پوتین به هند می‌رود: از جت‌های جنگنده گرفته تا مسیرهای تجاری، معاملات عظیمی ارائه می‌شود.»

پیش‌بینی معتبر RT، با خط یک مارشال هوایی بازنشسته هندی، حتی به کمک حیاتی اتحاد جماهیر شوروی به هند در سال ۱۹۷۱ در برابر «بیمه در برابر تهدید بالقوه ایالات متحده یا چین برای حمایت از پاکستان در جنگ هند و پاکستان» اشاره کرد. این گزارش، موشک‌های S-400 اضافی، سامانه S-500 AD و موشک‌های هوا به هوا دوربرد R-37M که قرار است در Su-30 MKI ادغام شوند را به عنوان محورهای احتمالی تمرکز در سفر پوتین فهرست کرد و پیش‌بینی کرد که «بحث در مورد Su-57 روسی ساخت هند ممکن است موضوع اصلی روی میز باشد.»

با این حال، وزارت دفاع هند پس از دیدار **راجنات سینگ**، وزیر دفاع، و **آندری بلوسوف**، همتای روسی‌اش که در ۴ دسامبر به هند سفر کرده بود، عمدتاً به سخنان گرم افتتاحیه آنها پرداخت و با لحنی آرام به پایان رساند. لحن تند گزارش RT در همان روز (۳ دسامبر) در گزارش ایزوستیا با عنوان «اقوام در تماس: پوتین همکاری با هند را به سطح جدیدی خواهد رساند» نیز منعکس شد. در این گزارش که به وزارت امور خارجه روسیه نسبت داده شده، آمده است: «علیرغم فشارهای غرب، همکاری دفاعی نیز احتمالاً توسعه خواهد یافت: قراردادهایی برای تأمین موشک‌های Su-57، S-400 و حتی S-500 امکان‌پذیر است.»

این گزارش افزود: «روسیه و هند با زیگران جهانی هستند و تا حد زیادی امنیت بین‌المللی را تعیین می‌کنند. هما‌نطور که وزارت امور خارجه روسیه به ایزوستیا گفت، طرفین همچنین در حال بحث در مورد منشور آینده اوراسیا در مورد تنوع و چندقطبی بودن در قرن بیست و یکم هستند.» ایزوستیا افزود که «کار مشترک بر روی منشور آینده اوراسیا در مورد تنوع و چند قطبی بودن در قرن بیست و یکم می‌تواند مواضع مسکو و دهلی‌نورا بیشتر همسو کند.»

اولین جرقه‌ها در فضا

بدیهی است که شب دوم دسامبر، زمانی که هند در خواب بود، پس از دیدار دو فرستاده ارشد آمریکایی با پوتین برای یک جلسه فوق‌العاده پنج‌ساعته، چیزی در تفکر کرملین به طرز چشمگیری تغییر کرد.

چه اتفاقی افتاد؟ پاسخ نیاز به توضیح دارد - زیرا اگر فقط این نکته را در نظر بگیریم که وضعیت جهان معاصر در یک گذار تاریخی است و هیچ چیز در این جهان دیگر به اندازه تغییر قابل اعتماد نیست، می‌توان آن را درک کرد.

تغییرات دوران سازی که در هفته‌های اخیر در همبستگی نیروها در سطح بین‌المللی - با اقتباس از اصطلاح مارکسیستی در سنت روشنفکری که با ارزیابی انتقادی و پرهیز از وابستگی سیاسی یا دفاعی مشخص می‌شود - آغاز شده است، به طور پیوسته در حال افزایش است.

اولین نشانه‌های جرقه‌ها در فضا زمانی پدیدار شد که **وانگ یی**، مدیر دفتر کمیسیون امور خارجه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (CCP) و وزیر امور خارجه، سفر دو روزه خود را به روسیه در اول دسامبر آغاز کردند. هما‌نطور که خبرگزاری **شینخوا** اعلام کرد، **وانگ یی** قصد داشت برای شرکت در بیستمین دور بعدی رایزنی‌های منظم در مورد امنیت استراتژیک با هم‌تایان روسی به مسکو سفر کند.

شینخوا (xinhua) تلویحاً اعلام کرد که این یک سفر برنامه‌ریزی شده است، اما این سفر با ورود شتا بزده تیم قد رتمند آمریکایی متشکل از **استیو ویتکوف**، فرستاده ویژه ایالات متحده و **جرد کوشنر**، داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به مسکو در ۲ دسامبر، همپوشانی داشت.

نکته نفس‌گیر این بود که **وانگ** مجبور شد پس از رایزنی‌ها بدون ملاقات با پوتین مسکو را ترک کند، اگرچه مقامات کرملین لازم نبود دانشمند موشک باشند تا بدانند که **وانگ** باید آنچه را که از پوتین در مورد آخرین وضعیت تانگوی ریاست جمهوری ایالات متحده و روسیه و گرم شدن مداوم روابط روسیه و آمریکا با حجم قابل توجهی که به مذاکرات برای هماهنگی یک توافق پایدار در مورد اوکراین که نگرانی‌های اعلام شده مسکو را در

بر می‌گیرد، گزارش دهد. هدف اصلی وانگ، ملاقات با پوتین بود که معمولاً این کار را می‌کرد، زیرا روس‌ها به خوبی می‌دانستند که او چهره‌ای مهم در دستگاه سیاست‌گذاری پکن است. فرستادگان پوتین حتی در «دیدارهای کاری» نیز بی‌وقفه توسط شی **جین‌پینگ** پذیرفته می‌شود.

اما دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، در پاسخ به پرسشی در اول دسامبر گفت که پوتین هیچ برنامه‌ای برای ملاقات با وانگ ندارد، زیرا برنامه فشرده‌ای دارد، «به‌ویژه از آنجایی که تماس‌های سطح بالای روسیه و هند برای نیمه دوم هفته برنامه ریزی شده است»، - اشاره به سفر رئیس‌جمهور روسیه به هند در ۴ و ۵ دسامبر.

اظهارات پسکوف را تنها می‌توان از نظر تعهد متقابل محکم مسکو و واشنگتن مبنی بر اینکه مذاکرات ویتکوف با مقامات کرملین، که به مرحله‌ای حیاتی رسیده است، باید کاملاً محرمانه باقی بماند، در نظر گرفت (به‌ویژه، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، نیز پوتین را در دهلی همراهی نکرد)

وعده‌هایی که باید عملی شوند

مسکو دلایل زیادی برای رضایت از سرعت و جهت‌گیری‌های تبادلات محرمانه با دولت ترامپ و همچنین روند کلی روند صلح اوکراین دارد که اکنون با ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، به عنوان یک نهاد جداگانه و مستقل از متحدان اروپایی‌اش، از جمله اتحادیه اروپا و ناتو، در حال تعامل است - اگرچه رژیم کیف متزلزل است.

روسیه در اینجا به توافقی دست می‌یابد، زیرا حتی اگر رژیم کیف و «ائتلاف مشتاقان» در اروپا همچنان آشتی‌ناپذیر باقی بمانند، با توجه به جدایی ایالات متحده از جنگ نیابتی، دست روسیه برای اعمال فشار به یک راه‌حل نظامی باز خواهد بود. داگ باندو، دستیار ویژه سابق رونالد ریگان، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده و مفسر کهنه کار مسائل سیاست خارجی، در موسسه کاتو (یک اندیشکده بانفوذ در محافل حزب جمهوری خواه) اخیراً نوشت: «رئیس‌جمهور [ایالات متحده] که مایل یا قادر به پایبندی به یک طرح صلح واقع‌بینانه نیست، باید بر اساس غرایز قبلی خود عمل کند و از این درگیری کناره‌گیری کند. جنگ روسیه و اوکراین یک تراژدی است، اما هیچ تهدیدی برای آمریکا ایجاد نمی‌کند، چه رسد به اینکه تعهدی برای جنگ علیه روسیه مسلح به سلاح هسته‌ای در صورت از سرگیری خصومت‌ها ایجاد کند.»

در همین حال، در میان همه این مانورهای ژئوپلیتیکی، ترامپ جمعه گذشته تصمیم گرفت استراتژی امنیت ملی [NSS] دولت خود را رونمایی کند. اینکه روسیه یا هند تا چه حد می‌توانستند شوک و وحشت ناشی از آن را پیش‌بینی کنند، ممکن است هرگز مشخص نشود، اما منطقی است که آنها تا حدودی از زلزله قریب‌الوقوع خبر داشتند.

این سند جنجالی NSS، نویدبخش مسیر روابط ایالات متحده با روسیه و هند - و حتی بیشتر از آن با روسیه - است. NSS، حل و فصل اوکراین و بهبود روابط با روسیه را در «منافع اصلی» ایالات متحده توصیف می‌کند. حتی مهم‌تر از آن، تقریباً به رسمیت شناختن ظهور مجدد روسیه به عنوان یک ابرقدرت و شریک کلیدی در حفظ تعادل استراتژیک جهانی است. علاوه بر این، استقرار مجدد ارتش ایالات متحده در نیمکره غربی را به عنوان اولویت اصلی در نظر می‌گیرد که به معنای کاهش نیروها در اروپا و تنزل سیستم ترانس آتلانتیک به همین ترتیب است. این یک انحراف اساسی از دکترین «صفحه شطرنج بزرگ» است که به طور مشهور توسط زیگنیو برژینسکی (که از نظریه به اصطلاح هارتلند هالفورد مکیندر مبتنی بر مفهوم ژئوپلیتیکی جهان به عنوان تقسیم شده به دو اردوگاه وام گرفته شده است) مطرح شده است، که بستری بوده است که ایالات متحده استراتژی سیاست خارجی خود را در طول بخش عمده‌ای از دوران پس از جنگ جهانی تا زمان دولت جو بائین، رئیس جمهور سابق آمریکا، بر آن بنا نهاده است. نشریه پولیتیکو، پرچمدار نومحافظه‌کاران آمریکایی در اروپا، آگهی ترحیمی تلخی با عنوان «استراتژی جدید ترامپ، نشانگر فروپاشی اتحاد غرب است» منتشر کرد و با ابراز تاسف از اینکه سند NSS «حتی روسیه را به عنوان یک دشمن معرفی نمی‌کند»، نوشت: «جای تعجب نیست که دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، از NSS به عنوان یک «گام مثبت» و «تا حد زیادی سازگار» با دیدگاه روسیه استقبال کرد..... در حالی که پکن و مسکو از NSS راضی به نظر می‌رسند، این سند شدیدترین زبان و تیزترین نیش و کنایه‌های خود را به متحدان سنتی آمریکا در اروپا اختصاص داده است.»

بدیهی است که روسیه و هند در موقعیتی قرار گرفته‌اند که باید به سرعت تصمیمات اساسی بگیرند. این می‌توانست مهم‌ترین فکر در ذهن مودی و پوتین باشد، زیرا اجلاس آنها جمعه شب با بیانیه مشترکی که بر محوریت همکاری اقتصادی در آینده تأکید می‌کرد، به پایان رسید.

در واقع، جنگل پیش رو زیبا، تاریک و عمیق است، اما مودی و پوتین وعده‌هایی برای عمل به آنها دارند. جای تعجب نیست که آنها برای تقویت روابط اقتصادی ناچیز خود، که پیش‌نیاز عبور از چالش‌های دنیای جدید و شجاعی است که در آن ژئواکونومی می‌تواند موضوع اصلی و بالقوه راهنمای آن باشد، مسیر انحرافی را در پیش گرفتند.

----- **با تقدیم احترامات (2025-12-11)** -----

.....